

### متن پرسش

سلام علیکم با عرض خداقوت خدمت شما استاد گرامی بنده دختر ۱۹ساله مذهبی هستم که از وقتی خودم را شناختم پدر و مادرم با هم اختلاف داشتن پدرم اعتیاد داشت و مادرم را کتک میزد و خیلی کار های خلاف دیگر... از همان ابتدای کودکی زندگی سختی داشتم چون شاهد تمام خلاف های پدرم بودم الان که حدود چهار سالی می شود پدر و مادرم از هم جدا شدن ماردم طلاق غیابی گرفت و من و دو خواهرم با مادرمان زندگی می کنیم و این قضیه برای من هنوز حل نشده و در لحظه لحظه زندگی من تاثیر گذار است همیشه از شخصیت پدرم هراس دارم که نکند کسی بفهمد. و در جمع دوستان و آشنایان همیشه به علت یک هم چین پدری و طلاق مادرم احساس ضعف می کنم حتی نمی توانم و نمی خواهم که کسی بفهمد پدرم که بوده و همیشه طلاق پدر و مادرم را از دوستان و محلی ک در ان جا فعالیت دازرم کتمان کرده و میکنم. وقتی خواستگاری پیدا می شود همیشه به علت شخصیت پدرم و طلاق مادرم احساس ضعف می کنک و هراسانم و خجل می شوم و با وجود این قضیه در برابر خواستگار ها احساس ضعف می کنم. حتی به بچه هایی که با پدر و مادرشان زندگی می کنند و پدر خوبی دارند حسادت میکنم. استاد لطفا بنده را راهنمایی کنید که چگونه با این قضیه کنار بیایم و در برابر دوستان و آشنایان و خواستگاران احساس ضعف نکنم و برخورد منطقی داشته باشم . خواهش میکنم راهنماییم کنید خیلی کلافه ام. ا هرگاه پدرم سر و کله اش پیدا میشود احساس تحقر میکنم و برایم این مسئله زجر آور است. چطور با این مسئله کنار بیایم . باتوجه به اینکه در سن ازدواج قرار دارم در مورد خواستگار ها با این قضیه چطور برخورد کنم التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنا را بر این بگذارید که خداوند می خواهد در چنین شرایطی به تعالی و شکوفایی لازم برسید. اولاً: خیلی راحت موقعیت خود را با دوستان و خواستگاران در میان بگذارید. ثانیاً: احترام پدرتان در جای خود محفوظ باید باشد. موفق باشید